

درس هشتم: عقل در فلسفه - قسمت دوم

❖ عقل نزد حکمای ایران باستان:

جزوه نکات تستی فلسفه دوازدهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی
@h_r_abdoli کانال شخصی ** @dr_abdoli_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

✓ ایرانیان بیشتر تعبیر خرد را به کار برده‌اند. (بر اساس گزارش‌های فردوسی در شاهنامه و سهروردی در حکمه الاشراق)

✓ حکیمان پیش از باستان به هر دو معنای عقل قایلند: ۱. هم عقل به عنوان دستگاه شناخت و ۲. هم عقل به معنای موجود برتر و متعالی.

✓ آنها خدا را هم عقل نامیدند. (معنای ۳ برای عقل به اشتراک لفظ).

✓ در نگاه آنان خدا بر اساس عقل و خرد، خلق کرده است. (رد اتفاق به معنای سوم)

✓ اهورا مزدا = خدای جهان آفرین و خدایی که هم عقل انسان را آفریده و هم جان‌ها و جهانیان را.

❖ چند نکته گذرا:

✓ توجه قرآن و پیامبر به عقل و عقلانیت باعث شد (علت)

✓ عقل جایگاه ممتاز پیدا کند، و بعد این باعث شد

✓ اکثر اندیشمندان درباره جایگاه عقل صحبت کنند و بعد این باعث شد

✓ عموم مسلمانان به سوی علم و دانش حرکت کنند و علوم پیشرفت کنند. (معلول)

❖ مخالفین عقل دو موضع دارند: (دو شکل مخالفت با عقل به زبان ساده):

۱. عقل را قبول دارم؛ ولی این عقل محدود است و در خیلی موارد (مثلا در برخی مسائل دینی) کارآمد نیست و دچار خطا می‌شود. (تنگ کردن محدوده اعتبار عقل) در یک جمله: (محدودیت عقل)

۲. عقل را قبول دارم؛ اما با فلسفه و منطق (به عنوان دستاورد یونانی و غیر اسلامی) مخالفم؛ مثلا دیدگاه سقراط، افلاطون و ارسطو با عقاید اسلامی سازگار نیست. در یک جمله: (فلسفه و منطق، غربی و وارداتی است)

❖ پاسخ به مخالفین عقل:

✓ همه دیدگاه‌های فلاسفه مخالف اسلام نیست.

✓ فلسفه یک دانش است؛ مثل هر دانش دیگری و می‌توان وارد آن شد.

✓ ما از نظرات دیگران استفاده می‌کنیم، مثل استفاده از دستاوردهای متفکران دیگر در علوم دیگر.

✓ ما دیدگاه‌های فلاسفه را نقد و بررسی می‌کنیم.

✓ تنها فلسفه می‌تواند از هستی به ما هو (از جهت) هستی سخن بگوید.

✓ ملاک درستی و نادرستی دیدگاه‌ها فقط عقل و استدلال است نه ملیت آن (یونانی و ایرانی و چینی بودن آن)

✓ در فلسفه، مانند هر دانش دیگری، دانستن دیدگاه فلاسفه و اندیشمندان دیگر، ضرورت دارد.

❖ دو معنای عقل نزد فیلسوفان مسلمان: (همان دو معنای درس قبل است با بیانی متفاوت)

۱. موجود متعالی و برتر از ماده:

✓ فلاسفه مسلمان بهتر از فلاسفه یونان از این مسئله سخن گفته‌اند.

✓ عقول، موجوداتی غیرمادی و مجردند.

✓ واسطه فیض هستند. (فیض را از عالم بالا می‌گیرند و به عالم مادون می‌دهند)

✓ نخستین مخلوق خدا، عقل اول است که بالاترین مرتبه بعد از خداست.

- ✓ عقل انسان، پرتویی از همان عالم عقول است.
- ✓ **عقل فعال** چندکار می‌کند: ۱. عامل فیض‌رسانی به عقل انسان‌ها؛ ۲. **تمام** ادراکات و دانش‌های ما به مدد این عقل صورت می‌گیرد؛ ۳. انسان به مدد عقل فعال مفاهیم **کلی** را درک می‌کند.
- ✓ عقل فعال همچنین ۴. در ابتدا در قوه عقلی انسان چیزی اضافه می‌کند (تعقل انسان که بالقوه بود (در کودکی) به فعلیت می‌رسد) و بعد عقل انسان شروع به فعالیت می‌کند.
- ✓ همان‌گونه که نور فضایی مهیا می‌کند که چشم انسان ببیند؛ عقل فعال، فضایی مهیا می‌کند که عقل انسان بفهمد.
- ✓ توضیح کوتاه بیت:

غیر از این عقل تو، حق را عقل هاست که بدان تدبیر اسباب سماست.

خداوند به جز عقل انسان، عقولی دارد که آنها واسطه فیض‌رسانی هستند.

- ✓ به طور کلی می‌توان گفت انسان در تمام مراحل زندگی، برای رشد و شکوفایی‌اش، به عقول نیازمند است.
- ۲. **دستگاه تفکر (قوه شناخت و استدلال):**

- ✓ فلاسفه مسلمان از همه روش‌های عقلی استفاده کرده‌اند: مثلاً استدلال تجربی، تمثیل، برهان عقلی محض.
- ✓ فلاسفه مسلمان به دو دسته تجربه‌گرا و عقل‌گرا تقسیم نمی‌شوند؛ چون همه ابزار معرفتی را قبول دارند.
- ✓ اولین ملاک پذیرش و رد هر حکم و نظر در فلسفه اسلامی، استدلال عقلی است. برای همین گفته‌اند:
«ما فرزندان دلیل هستیم» یا ابن‌سینا گفته: «اگر کسی عادت کند سخن بدون دلیل بپذیرد، انسان نیست.»

- ✓ این جمله ابن‌سینا که «اگر کسی عادت کند سخن بدون دلیل بپذیرد، انسان نیست.» به لحاظ معنایی به تعریف ارسطو از انسان شباهت دارد؛ یعنی معتقدند اگر کسی تفکر نکند (نطق نداشته باشد)، حیوان است!
- ✓ ملاک درستی یک گزاره در فلسفه، مطابقت آن با واقع است.

❖ **مراحل رشد و تکامل عقل (نظری)**

۱. مرحله اول: **عقل هیولانی** یا بالقوه: عقل در هنگام تولد، **استعداد** و **قوه** و **آمادگی** محض است و هیچ ادراک **عقلی** ندارد. (نگفتیم هیچ ادراکی ندارد! چون کودک ادراکات حسی دارد.)
۲. مرحله دوم: **عقل بالملکه**: کودک **بدیهیات** را درک می‌کند؛ مثلاً: اجتماع نقیضین محال است (نمی‌شود چیزی هم باشد و هم نباشد)، کل بزرگتر از جزء است و ... در این مرحله، آماده کسب دانش است.
۳. مرحله سوم: **عقل بالفعل**: **عقل شکوفا** شده، دانش‌هایی با تمرین و تکرار به دست آورده است.
۴. مرحله چهارم: **عقل بالمستفاد**: انسان بر دانش‌های کسب کرده‌اش، **مسلط** است و به راحتی **استفاده** می‌کند و بهره می‌برد.

❖ **چند نکته تستی:**

- ✓ کودکی که در بازی پوچ و گل، می‌فهمد که اگر چیزی در دست راست شما نباشد، باید آن را در دست چپتان پیدا کند، عقلش به مرحله بالملکه رسیده است.
- ✓ از نگاه فلاسفه اسلامی، ایمان با پشتوانه عقلی ارزشمند است؛ و گرنه باعث گمراهی است. (بر عکس دیدگاه کرگور)
- ✓ عقل در اندیشه اسلامی، ابزار فهم آیات قرآن است.

جزوه نکات تستی فلسفه دوازدهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h_r_abdoli کانال شخصی ** @dr_abdoli_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

✓ فلاسفه اسلامی، همه ابزار معرفت (حس، عقل، قلب، وحی) را می‌پذیرند؛ البته اساس پذیرش هر اعتقادی را «استدلال عقلی» می‌دانند.

✓ از نگاه فلاسفه اسلامی، عقل و وحی و شهود، در موضوعات یکسان (نه همه موضوعات) ما را به نتیجه یکسان می‌رسانند. (مسیرها و روش‌های متفاوت، اما نتیجه و مقصد، واحد)

✓ از نگاه کتاب، بین داده‌های وحیانی و عقل، تعارضی نیست و ما ممکن است گمان کنیم که تعارض است! در این اوقات باید: ۱. تلاش علمی‌مان را افزایش دهیم و ۲. از دانش دیگران بهره ببریم! (هرگز نباید عقل را کنار بگذاریم)

✓ ارزش و اعتبار عقل نسبت به حس خیلی بالاتر است؛ چرا که عقل توان درک حقایق را دارد و این شبیه برتری امام علی (شبیه امر معقول) نسبت به سایر مردمان (شبیه امر محسوس) است.